



در این شماره می‌خوانیم:

- ✓ با حریق عرصه های طبیعی کشور چه باید کرد؟
- ✓ بررسی قوانین آتش‌سوزی جنگل ایران و ترکیه
- ✓ گزارشی از آتش‌سوزی منطقه سرسوروان بخش کلاشی شهرستان جوانرود
- ✓ آتش در طبیعت؛ از زاگرس تا پایتخت
- ✓ زاگرس و حریق

خبرنامه موسسه شمیم جنگل ایران

ویژه نامه آتش‌سوزی در جنگل‌های ایران

مرداد ماه سال ۱۳۹۹ شماره چهار www.shamimjungal.com



با حریق عرصه های طبیعی کشور چه باید کرد؟

دکتر حسین بدری پور؛ عضو شورای عالی جنگل، مرتع و آبخیزداری

نگاهی به گراف‌های فوق نشان می‌دهد که آمار حریق در ایالات متحده تقریباً ثابت بوده اما آمار حریق‌های کشور ترکیه از روندی افزایشی برخوردار بوده است حال آن که سطح اراضی که در ترکیه دچار سوختگی شده است کاهش چشمگیری داشته است. از نگاه مدیریتی یعنی به دلایلی مانند آسیب پذیرتر شدن عرصه برای حریق و یا افزایش تفریح و تفرج شاهد افزایش تعداد حریق‌ها هستیم اما ترکیه توانسته است سطح دچار سوختگی را تقلیل دهد یعنی نحوه و ساختارهای اطفاء حریق خود را تقویت نموده است.

بر اساس اطلاعات اعلامی توسط کارشناسان ترکیه، زمان اطلاع تا رسیدن نیروهای اطفاء حریق به محل وقوع حریق به حدود ۱۳ دقیقه رسیده است. این کشور از ۱۱۰۰۰ نیروی آموزش دیده اطفاء حریق استفاده می‌نماید که بخش زیادی نیروهای دولتی شاغل در ادارات کل جنگلداری و بخش کمی هم از نیروهای قراردادی هستند که در زمان نیاز به کار گمارده می‌شوند.

جدول ۱- آمار سالانه پرسنل اطفاء حریق سازمان جنگلداری و وزارت کشور

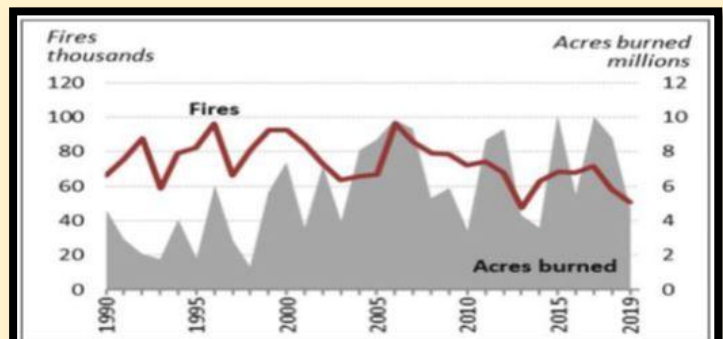
تعداد پرسنل اطفاء حریق	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶
سازمان جنگلداری ^۲	10,000	10,000	10,000	10,000
وزارت کشور ^۳	4,442	4,492	4,514	4,129

منبع: توجیهات اعتبارات دستگاه و خلاصه گزارش و گزارشات سالانه حریق‌های عرصه های طبیعی^۴

کشور ما هم از این پدیده مستثنی نیست و هر ساله سطح قابل توجهی از عرصه‌ها دچار حریق می‌شوند که این حریق‌ها از اوایل بهار و روز طبیعت که مردم برای تفریح و تفرج به طبیعت می‌روند، شروع می‌شود. در سال جاری به دلیل عدم حضور و یا کاهش چشمگیر حضور مردم در طبیعت، شاهد کاهش شدید تعداد حریق‌ها بودیم.

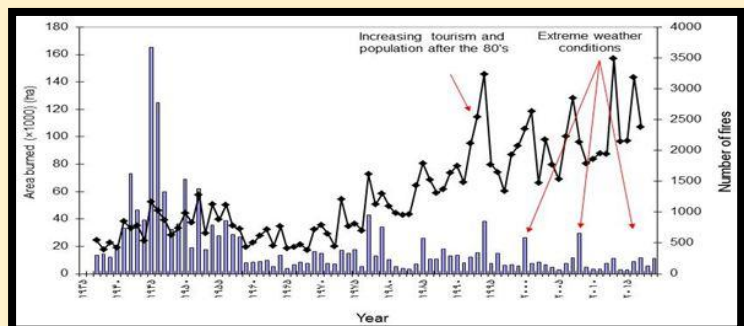
پراکنش زمانی و مکانی حریق‌ها تابع شرایط آب و هوایی و مسائل اجتماعی است. از جمله دلایل حریق عرصه های طبیعی را می‌توان مربوط به عوامل آب و هوایی مانند درجه حرارت بالا و وزش بادهای گرم در مناطقی از پوشش گیاهی با رطوبت کم دانست. هر ساله شاهد وقوع حریق در عرصه-های طبیعی در سطح جهان هستیم. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که تعداد وقایع حریق در سال‌های مختلف از نوسانات شدیدی برخوردار است که می‌تواند ناشی از نوسانات آب و هوایی باشد.

شکل ۱- آمار سالانه حریق و وسعت سوخته شده ایالات متحده (میلیون ایکر) (۲۰۱۹-۱۹۹۰)



منبع: مرکز ملی بین‌دستگاهی حریق^۱

شکل ۲- آمار سالانه حریق و وسعت سوخته شده ترکیه (هزار هکتار) (۲۰۱۹-۱۹۳۵)



تحقیق انجام شده توسط محققین موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، در مناطقی که آتش‌سوزی رخ می‌دهد، در سال‌های بعد، میزان از بین رفتن درختان بلوط بر اثر حمله آفات و بیماری‌ها، تقریباً ۱۶ برابر بیشتر می‌شود. در واقع حریق، زمینه‌ای برای زوال بلوط هم هست. آتش‌سوزی، استرس حرارتی و رطوبتی به مراتع و جنگل‌ها وارد نموده و باعث می‌شود که آفات و بیماری‌ها به عنوان پارازیت روی میزبان قرار گرفته و آن را دچار مشکل کنند. با امعان نظر به مراتب فوق و با توجه به کاهش شدید اعتبارات در سال‌های اخیر، می‌طلبند که راهکارهای مناسبتری برای مدیریت حریق اتخاذ نمود تا تعداد وقایع حریق و سطح دچار سوختگی کاهش یابد.

اما چه باید کرد؟

در حال حاضر سیاست سازمان جنگل‌ها در زمینه حریق مشخص نیست و عمدتاً تأکید بر افزایش ظرفیت ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری برای اطفاء حریق دارد.

کشور ترکیه استراتژی خود در مقابله با حریق را چنین تعریف کرده است:

• پیشگیری (برای جلوگیری از شیوع آتش - آموزش و افزایش آگاهی)؛ • اطفاء (هشدار سریع، دخالت سریع و موثر)؛ • احیاء (جنگلکاری سریع نواحی سوخته شده).

کشور مالزی برای مواجهه با حریق نیز، سیاست خود را مبتنی بر موارد ذیل تعریف کرده است:

• پایش؛ • پیشگیری؛ • اطفاء حریق؛ • آموزش و آگاهی عمومی؛ • قوانین و مقررات؛ • همکاری‌های بین‌المللی.

متأسفانه علیرغم این که ایران از کشورهای در حال توسعه پیشگام در اجرای طرح‌های مدیریت منابع طبیعی بوده است، اما به دلایلی، طرح‌های فوق همگام با مشابیهین خود در کشورهای توسعه یافته، به روز نشدند. در این خصوص می‌توان به نپرداختن به مدیریت حریق که یکی از ریسک‌های طرح‌های جنگلداری، مرتعداری و بیابان‌زدایی است، اشاره نمود.

رویکرد مواجهه با حریق:

مرور تجارب کشورهای مختلف حاکی از آن است که سه رویکرد برای مواجهه با حریق در جهان وجود دارد، که عبارتند از:

• رویکرد دولتی برای اطفاء حریق (ترکیه، کره جنوبی) • رویکرد مردم محور (فنلاند، سریلانکا) • رویکرد دولتی و مردمی (استرالیا)

با امعان نظر به وضعیت کشور از نظر وسعت، شرایط توپوگرافی و پراکنش جمعیت روستایی / عشایری و فاصله شهر تا مناطق آسیب پذیر، و عدم امکان توسعه ساختار اداری برای اطفاء حریق، الزاماً باید از رویکرد تلفیقی دولتی و مردمی پیروی نمود که برای تحقق این رویکرد لازم است بدو ترتیبات حکمرانی منابع طبیعی شناسایی و عملیاتی شده و سپس برنامه محلی مدیریت حریق توسط جامعه محلی تهیه و امکانات مورد نیاز در اختیار جامعه محلی قرار گیرد.

همزمان با تقویت بخش مردمی مدیریت اطفاء حریق، در بخش دولتی باید ضمن تقویت ظرفیتهای اطفاء حریق در ادارات منابع طبیعی، روی تقویت انسجام نهادی میان دستگاه‌های متولی هم برنامه ریزی لازم به عمل آید.

اما باید توجه داشت که ۹۰ درصد حریق‌ها، منشاء انسانی دارد یعنی اگر اقدامات مناسب در زمینه ارتقاء آگاهی‌های عمومی و فرهنگ سازی انجام شوند که هزینه بسیار پائینی دارد، می‌توان مانع وقوع قریب ۹۰ درصد حریق‌ها شد.

بررسی قوانین آتش‌سوزی جنگل ایران و ترکیه

حمیدرضا افرند سرخنی، دانشجوی دکتری حقوق و سیاست جنگل، دانشگاه تهران

از میان کشورهایی که اشتراکات اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قرابت اکولوژیکی نزدیکی با ایران داشته و همچنین قوانین به روزتر و عملکرد بهتری را در زمینه مدیریت جنگل‌ها ارائه داده باشند، می‌توان به کشور ترکیه اشاره داشت؛ از این رو در این گفتار اقدام به مقایسه بخشی از قوانین آتش-سوزی جنگل این کشور با قوانین ایران شده است.

۱ * مخابره وقوع حریق

به دلیل ماهیت اشتعال پذیری جنگل و زی توده گیاهی مستقر در آن، اطلاع رسانی سریع می- تواند فرآیند اطفای حریق را بسیار کارآمد کند؛ هر لحظه تاخیر در کسب اطلاع از حریق می- تواند شدت، دامنه و سرعت آن را افزایش داده و میزان خسارات را چندین برابر کند. قانون جنگل ایران درباره اطلاع رسانی آتش سوزی سکوت کرده است. این در حالی است که در ماده ۶۸ از قانون جنگل ترکیه آمده است: «اشخاصی که نشانی از آتش سوزی در داخل و یا نزدیکی مناطق جنگلی رویت می کنند، می- باید موضوع را بلافاصله به اداره جنگل و یا نزدیک ترین بخشرداری، مراکز ژاندارمری و یا اداره پلیس اطلاع رسانی نمایند» و ضمانت های اجرایی برای این موضوع مقرر کرده است.

۲ * همکاری بین بخشی

به دلیل وسعت مناطق جنگلی، دور افتاده بودن و عدم دسترسی مناسب به این مناطق، در صورت وقوع آتش سوزی، عملیات اطفاء حریق با دشواری های خاصی همراه است؛ به نحوی که سازمان یا وزارتخانه متولی جنگل نمی تواند به تنهایی از عهده آن برآید. در نتیجه لازم است از پتانسیل سایر دستگاه ها و سازمان ها و ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی استفاده نمود. در این راستا، ماده ۴۷ از قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع ایران، در مواقع آتش سوزی در جنگل ها «کلیه مأمورین دولتی اعم از لشکری و کشوری و شهرداری ها که در نزدیکی آن محل باشند» را موظف می کند «در مقابل تقاضای مأمورین جنگلبانی یا ژاندارمری یا بخشرداری با کلیه وسایل ممکنه دولتی و شهرداری که در اختیار دارند در آتش نشانی کمک نمایند». بند سوم از ماده ۶۹ از قانون جنگل ترکیه نیز بیان می دارد: «برای جلوگیری از آتش سوزی در جنگل ها، قبل و در حین آتش سوزی، اداره جنگل با کمک دیگر ادارات و سازمان های عمومی، هماهنگی های لازم را

کمیته بزرگ محلی در خصوص اطفاء حریق ایجاد می گردد. ادارات رسمی و سازمان ها متعهد هستند دستورات صادره توسط این کمیته را اجرایی نموده و مجاز به ایجاد هر گونه تغییرات کاربردی می باشند».

۳ * هماهنگی بین بخشی

هر دو کشور اذعان دارند که عملیات اطفای حریق در جنگل فرآیندی گسترده است که اجرای سریع، صحیح و کامل آن نیازمند همکاری های بین بخشی است. نکته قابل تامل این است که در ایران مرجع خاصی برای رهبری عملیات اطفای حریق پیش بینی نشده و «هر مامور جنگلبانی یا ژاندارمری یا بخشرداری» می- تواند سایر بخش ها را به کمک بخواند و این در حالی است که در ترکیه این رهبری صراحتا به کمیته بزرگ محلی سپرده می شود. نکته دیگر دامنه اختیارات کمیته است که آن را «مجاز به ایجاد هر گونه تغییرات کاربردی» می نماید، در حالی که قاعدتا هر مامور جنگلبانی یا ژاندارمری یا بخشرداری ذکر شده در قانون ایران نمی تواند چنین اختیاراتی را اعمال نماید.

۴ * شرکت های خصوصی، سازمان های مردم نهاد و داوطلبین مردمی

همان طور که گفته شد، سازمان یا وزارتخانه متولی جنگل نمی تواند به تنهایی از عهده عملیات اطفاء حریق برآید و دیدیم که هر دو کشور از پتانسیل بین بخشی جهت حل این معضل استفاده می کنند. البته ترکیه پا را از این فراتر گذاشته و در ماده ۶۹ ضمن اینکه {دولت} وظیفه انجام هرگونه خدمات برای جلوگیری و اطفاء آتش سوزی در جنگل را بر عهده می گیرد، بلکه این وظیفه را به شرکت ها نیز واگذار می- کند. این واگذاری از آن رو اهمیت دارد، که در ایران با افزایش آتش سوزی در سالیان اخیر، گروهی از مردم علاقه مند به حفاظت از طبیعت، مطابق با وظیفه عمومی خود در اصل پنجاهم قانون اساسی در حفظ محیط زیست، به صورت داوطلبانه در اقدامات اطفاء حریق مشارکت کرده

و متاسفانه در برخی موارد به دلایلی از جمله عدم آموزش و اطلاع کافی از ماهیت آتش سوزی در مناطق جنگلی و دیگر دلایل دچار سانحه شده و متاسفانه بعضا فوت می کنند. در صورتی که واگذاری عملیات اطفای حریق به شرکت ها در ایران نیز صورت بگیرد، می توان با آموزش صحیح و مکفی، از وجود سازمان های مردم نهادی که علاقه مند به حفظ محیط زیست هستند استفاده و از بروز سوانح و تلفات در آینده کاست. در نتیجه به نظر ضروری است این دغدغه مردمی، در فرآیند قانونگذاری ایران مورد توجه قرار گرفته و هم راستا با ماده ۱۵ از قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، از این پتانسیل عظیم و همچنین توان و سرمایه بخش های غیردولتی در جهت افزایش ضریب حفاظتی جنگل ها و مراتع از چهل درصد (۴۰٪) به نود درصد (۹۰٪)، بهره جست. در ترکیه علاوه بر اینکه در اطفاء حریق از کمک سازمان های دیگر و شرکت های خصوصی استفاده می شود، مطابق بند ۵ از ماده ۶۹، از افراد داوطلب نیز استفاده می شود اما قانون آن کشور در مورد لزوم آموزش اولیه این داوطلبین سکوت کرده است. در صورتی که قانون جنگل ایران در هر دو بخش از این موضوع سکوت کرده است.

۵ * تسهیلات، امکانات و تجهیزات برای اطفاء حریق

در اجرای هر نوع عملیاتی، تامین تجهیزات و امکانات فنی و رفاهی نقش به سزایی در پیشبرد موفقیت و کارایی بهتر آن داشته و عملیات اطفاء حریق نیز از این قاعده مستثنی نیست. ماده ۴۷ از قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع ایران کلیه مأمورین دولتی اعم از لشکری و کشوری و شهرداری های نزدیک به منطقه آتش- سوزی را موظف می کند با کلیه وسایل ممکنه دولتی و شهرداری که در اختیار دارند در آتش نشانی کمک نمایند. متناظر با این وظیفه، ترکیه نیز در ماده ۶۹ از قانون جنگل خود ادارات رسمی و سازمان ها را متعهد می کند دستورات

صادره توسط کمیته بزرگ محلی را در خصوص اطفاء حریق اجرا نمایند. البته در این ماده ذکر نشده این ادارات و سازمان‌ها باید چه نوع کمکی را در اختیار کمیته محلی بگذارند، در حالی که ماده ۴۷ ایران صراحتاً کلیه امکانات موجود سازمان‌های ذیربط را به یاری می‌طلبد. علی‌رغم برتری در این موضوع، باید اذعان داشت در سایر موارد این مبحث، قانون جنگل ترکیه بسیار بهتر عمل کرده است. ماده ۶۹ قانون جنگل ترکیه خدمات و امکانات مورد نیاز را برای اطفاء حریق در مناطقی که خارج از منطقه جنگلی است ولی احتمال سرایت آتش از آن به داخل مناطق جنگلی وجود دارد، تدارک می‌بیند. در حالی که قانون جنگل ایران در این مورد سکوت کرده است. از سوی دیگر اداره جنگل ترکیه وظیفه پرداخت هزینه سوخت‌رسانی، وسایل نقلیه مورد نیاز برای انتقال افراد داوطلب به محل حریق، ابزار، لباس و آلات مورد نیاز برای اطفاء حریق را مستقیماً بر عهده دارد ولی در ایران معلوم نیست این هزینه‌ها آیا باید توسط سازمان جنگل‌ها تامین گردد و یا ادارات و شهرداری‌ها؟ ضمن این که در قانون جنگل ایران هیچ اشاره‌ای نه به حضور افراد داوطلب در اطفاء حریق شده و نه به تامین امکانات فنی، تجهیزاتی و رفاهی مورد نیاز برای آنان نشده است.

البته نباید از این نکته غافل بود که متولی اول جنگل در هر دو کشور سازمان یا اداره جنگل آن کشور است. بدین ترتیب اداره جنگل هر دو کشور می‌بایست حداقلی از تسهیلات، امکانات و تجهیزات را در جنگل‌ها و یا لاقلاً در آن بخش از جنگل‌ها که خطر وقوع آتش‌سوزی بالاست تهیه و مستقر نماید. بدین منظور ترکیه در ماده ۶۸ از قانون جنگل خود، مراکز را جهت اطلاع‌رسانی به صورت برجک‌ها و اتاقک‌های کنترل و نظارت در مناطق جنگلی و مراکز استقرار حفاظت جنگل برپا ساخته و تجهیزات مخابراتی متنوعی را در آن‌ها تعبیه نموده است. ضمن این که هر گونه اطلاع‌رسانی وقوع حریق از مراکز پستی و ایستگاه‌های راه آهن بدون هزینه است. ضمناً جهت تشویق و استفاده از حضور همیشگی مردم درون یا در نزدیکی عرصه‌های جنگلی، «هر گونه اطلاع‌رسانی موارد فوق از طریق خطوط تلفن خصوصی به صورت رایگان و بدون پرداخت مخارج، مالیات و یا هزینه جانبی» خواهد بود. قانون جنگل ایران در تمامی موارد مربوط به این بند سکوت کرده است.

۶ * اضافه کاری مامورین

مهیا کردن تسهیلات، امکانات و تجهیزات می‌تواند نقش به‌سزایی در عملیات اطفاء حریق داشته باشد، لیکن به هیچ‌عنوان نمی‌توان نقش نیروی انسانی را در این گونه عملیات‌ها نادیده گرفت؛ چرا که به دلیل ماهیت جنگل، تقریباً هر نوع تجهیزاتی نیازمند یک اپراتور انسانی است که علاوه بر داشتن شرایط جسمانی و فیزیکی مناسب، باید از شرایط روحی مناسبی نیز برخوردار باشد. هرچند در بیشتر مواقع افراد سازمان جنگلبانی و یا داوطلبینی که در امر اطفاء حریق مشارکت دارند، خصوصیات فوق‌الذکر را دارا هستند، لیکن با توجه به بین‌بخشی بودن عملیات اطفاء حریق و حضور افراد دیگر از سایر ارگان‌ها، وجود مشوق‌های مالی و غیر مالی جهت افزایش روحیه این افراد و حتی مامورین جنگلبانی و داوطلبین مردمی، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا ماده ۷۲ قانون جنگل ترکیه، حضور کارکنان داوطلبی را که در خارج از ساعات اداری در پست‌ها و برجک‌های دیده‌بانی و ساختمان و تأسیسات مقابله با حریق در جنگل حضور می‌یابند را به عنوان ساعات کاری ایشان محسوب نکرده و برای آنان اضافه‌کاری در نظر می‌گیرد. قانون جنگل ایران در این مورد سکوت کرده است.

۷ * غرامت جسمی و جانی

از آنجا که عملیات اطفاء حریق در جنگل به دلیل شرایط اغلب دشوار مناطق جنگلی و کوهستانی و صعب‌العبور بودن آن، متغیر بودن جهت باد و تغییر ناگهانی مسیر آتش و حوادث غیر مترقبه با مخاطرات زیادی همراه است، همواره شاهد صدمات مالی، جسمی و حتی تلفات جانی در آن هستیم که با توجه به افزایش آتش‌سوزی‌های اخیر این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نکته از آنجا حائز اهمیت است که با توجه به گسترش فضای مجازی، اخبار آتش‌سوزی‌ها و به تبع آن خسارات، صدمات و تلفات انسانی مامورین و نیز داوطلبین مردمی حاضر در عملیات اطفاء حریق و بعضاً عدم حمایت قانونی، درمانی و مالی از آنان، به سرعت بین مردم دست به دست شده و موجی از عدم اطمینان به دستگاه‌های دولتی را موجب شده که احتمالاً حضور افراد داوطلب و دوستدار محیط زیست را در عملیات‌های اطفاء حریق آتی کمرنگ نموده و به تضعیف اصل پنجاهم قانون اساسی کشور ایران در همگانی بودن وظیفه حفاظت از محیط زیست، خواهد انجامید. متأسفانه در قوانین جنگل ایران نسبت به این موضوع مهم سکوت اختیار شده و در برخی موارد که مشارکت افراد منجر به فوت آنان می‌گردد، تحت تاثیر افکار عمومی و در اقدامی شتاب‌زده، متوفی تحت عنوان شهید نامگذاری شده و این در حالی است که در مورد صدمات و خسارات جسمانی، مقررات مشخصی که از این افراد حمایت کند، وجود ندارد. قانون جنگل ترکیه در ماده ۷۱ از قانون جنگل خود صراحتاً در مورد «افرادی که به صورت بالفعل در جریان اطفاء حریق جنگل شرکت دارند» تعیین تکلیف کرده و تمامی موارد ممکنه شامل: وارثین افراد فوت شده، افراد معلول، مجروح و همچنین هزینه‌های انتقال و درمان را به عهده دولت گذاشته و شرح پرداختی‌ها و تعیین درجه معلولیت و غیره، به تفکیک در این ماده آمده است؛ شایان ذکر است احکام کلی و عمومی این قانون در خصوص پرسنل دولتی که دچار معلولیت شده و یا فوت کرده‌اند نیز، اجرایی می‌گردد.

گزارشی از آتش سوزی منطقه سرسوراوان بخش کلاشی شهرستان جوانرود، استان کرمانشاه توسط یک دیده بان (نیروهای اطفاء حریق) به روایت آقایان مهندس حسین محمودزاده و دکتر احسان قنبری، کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان کرمانشاه

ابتدا به کمک نیروهای مردمی و تجهیزات اداره منابع طبیعی که شامل چند دستگاه دمنده و آب پاش و چند عدد شن کش و شاخه درختان بلوط بود، آتش منطقه پاوه را مهار کردیم. سپس به کمک بخشی از مردم روستاهای اطراف که اکثریت بهره‌برداران سقر بودند و همچنین نیروهای اداره منابع طبیعی و محیط زیست موفق به مهار آتش در منطقه جوانرود شدیم. جهت اطمینان از خاموشی کامل آتش چند ساعت در منطقه توقف نمودیم. متأسفانه به دلیل وزش باد شدید، شیب بالای ۷۰ درصد و صعب العبور بودن منطقه که منجر به عدم دسترسی به برخی نقاط می‌شد آتش دوباره شعله‌ور گردید و نیروها مجدداً جهت اطفاء حریق اقدام کردند که به علت وسعت زیاد آتش سوزی مهار امکان پذیر نبود. با شدت گرفتن وزش باد به یکباره شعله‌های آتش و سرعت پیشروی آن افزایش یافت که این امر منجر شد نیروها برای نجات جانشان چندین کیلومتر از منطقه آتش سوزی فاصله بگیرند و در همانجا شب را بگذرانند. این روند چیزی حدود ۶ روز ادامه داشت.

منطقه سرسوراوان یک منطقه مرزی است که در ارتفاعات ۲ تا ۳ هزار متری از سطح دریا در نزدیکی روستای بانی لوان واقع شده است که دسترسی به این منطقه بی‌نهایت مشکل است. در پایین دست کوه‌های این منطقه رودخانه سیروان قرار گرفته است. در تاریخ ۵ تیرماه سال ۹۹ با توجه به گزارش مردمی مبنی بر آتش‌سوزی در منطقه سرسوراوان بخش کلاشی به همراه نیروهای یگان حفاظت اداره منابع طبیعی شهرستان جوانرود و سایر دیده‌بان‌های اداره مذکور با سه دستگاه ماشین به محل عزیمت نمودیم. حدود ۸۰ کیلومتر جاده جنگلی صعب العبور برای رسیدن به محل آتش سوزی باید طی می‌شد و در مجموع از محل اداره تا محل آتش سوزی حدود سه ساعت و نیم زمان لازم بود. ساعت ۸ صبح حرکت کرده و حدود ۱۱ و نیم به محل آتش سوزی رسیدیم. آتش‌سوزی در دو منطقه واقع در مرز بین شهرستان‌های پاوه و جوانرود رخ داده بود.



ما تقریباً هر سال در این منطقه شاهد آتش‌سوزی‌های متعدد بوده‌ایم که شرایط بسیار سخت و شیب خیلی زیاد و همچنین مین‌گذاری بودن منطقه، متأسفانه منجر به کشته شدن و صدمه دیدن چندین نفر در طول سالیان اخیر شده است و به جرات می‌توان گفت که این منطقه از خطرناک‌ترین مناطق آتش‌سوزی در زاگرس بوده است که با فاصله ۸ کیلومتر از این ناحیه آتش وارد حوضه استحفاظی شهرستان پاوه گردید. در همین آتش‌سوزی متأسفانه ۳ نفر جان خود را از دست دادند و بدلیل منفجر شدن مین، ۳ نفر از جمله جانشین یگان حفاظت استان، معینیان مشاور مدیر کل و رئیس منابع طبیعی شهرستان روانسر صدمه جانی دیدند.



با تشکر ویژه از جناب دکتر احسان قنبری به جهت تهیه عکس‌های مربوط به آتش‌سوزی منطقه سرسوروان

در طی این مدت مسئولین مختلف از جمله مدیر کل محترم منابع طبیعی استان، فرماندار محترم شهرستان، فرمانده سپاه پاسداران شهرستان و ... از محل آتش‌سوزی بازدید بعمل آوردند. از جمله موانعی که در طی این پروسه عملیاتی، کار اطفاء حریق را با مشکل مواجهه کرده بود و بعضاً سلامت نیروها را به خطر می‌انداخت می‌توان به وجود دود زیاد و گرمای شدید، کمبود امکانات دسترسی، شرایط سخت عبور و مرور نیروها و در برخی موارد انفجار مین به جای مانده از جنگ تحمیلی و همچنین خطر ریزش سنگ به دلیل آتش گرفتن درختان و آزاد شدن سنگ‌ها با توجه به شیب زیاد منطقه اشاره کرد. در نهایت در روز هفتم با تلاش فراوان و ایجاد آتش‌برهای متعدد و خوشبختانه رسیدن بخشی از حریق به منطقه‌ی سنگلاخی و عاری از پوشش گیاهی، آتش مهار گردید



آتش در طبیعت؛ از زاگرس تا پایتخت

دکتر رحیم ملک‌نیا عضو هیات علمی گروه جنگلداری دانشگاه لرستان

آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی رخداد تازه‌ای نیست و هر ساله در اثر عوامل انسانی و به ندرت عامل طبیعی در مناطق مختلف کشور ما رخ می‌دهد. در برخی رویشگاه‌ها همچون زاگرس، به دلیل ویژگی‌های خاص اجتماعی-اقتصادی، این رخداد با فراوانی بیشتری رخ می‌دهد و وسعت مناطق سوخته در مقایسه با سایر عرصه‌های طبیعی بیشتر است. در سالیان طولانی سوختن طبیعت کشور، عموم جامعه و تصمیم‌گیران کلان توجه درخوری به این موضوع مهم نداشته‌اند و جنبه‌های مختلف این موضوع بیشتر در میان جامعه منابع طبیعی کشور مطرح می‌شد. در چند سال اخیر، اگر چه به لطف شبکه‌های اجتماعی، این موضوع بازتاب وسیع‌تری در رسانه‌ها و در میان جامعه داشته است اما در سطح کلان مدیریت کشور، با وجود اقدامات موقتی و وعده‌هایی متعدد برای تجهیز مناطق بحرانی به امکانات رصد و اطفاء، اهمیت آتش‌سوزی از جنبه‌های امنیتی، اجتماعی و اقتصادی به خوبی درک نشده و گواه این مدعا، سخنان برخی مدیران کشور همچون ریاست سازمان محیط زیست است که سوختن هکتارها از بلوط‌های زاگرس را امری طبیعی و کم‌اهمیت بیان کرد. در سال جاری، حریق‌های طبیعت از دغدغه‌های دلسوزان منابع طبیعی و سازمان جنگل‌ها فراتر رفت. توجه نهادها و رسانه‌های غیر تخصصی را می‌توان علاوه بر فضای ایجاد شده در رسانه‌های رسمی و غیر رسمی، تا حدودی به بروز آتش‌سوزی‌های متعدد در عرصه‌های طبیعی شهری چند شهر از جمله پایتخت مرتبط دانست. حریق در فضای سبز شهری در تهران اگر چه در قیاس با زاگرس، در سطح کمتر و به تعداد کمتر رخ داد اما از نظر اجتماعی و روانی تاثیرات بیشتری بر جامعه داشت و در اثر این توجهات، نگاه مدیران کلان شهری و کشوری نیز به این موضوع بیشتر جلب شد. کم‌توجهی به حریق‌های مکرر و گسترده در زاگرس در کنار توجه سطوح مختلف جامعه و مسئولین به حریق‌های تهران از چند منظر قابل توجه است. اول آنکه در سالهای خاکستر شدن زاگرس، نگاه جامعه و تصمیم‌سازان سطح ملی به این موضوع به خوبی جلب نشده است. این مساله علاوه بر اهمیت پایین جنگل‌ها برای عموم مردم و مسئولین، بیانگر لزوم تقویت جایگاه سازمان متولی اداره جنگل‌ها و گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای در این زمینه است. مساله دوم که باید مورد توجه قرار گیرد، عامل ایجاد حریق در شهرها است که نه ناشی از تضادهای عرفی و حقوقی در عرصه‌های طبیعی بلکه به دلیل بی‌توجهی و سهل‌انگاری در کنار ناآگاهی از عواقب حریق است. با نگاهی اجمالی به قدمت، وسعت و فراوانی آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی بیرون از محیط

شهری و آتش سوزی‌های سال جاری در شهرها، لزوم نگاه ملی و تدوین برنامه‌های جامع برای پیشگیری و اطفاء حریق به خوبی روشن می‌شود. این مساله نشان می‌دهد که حل بحران آتش به تنهایی از عهده سازمان جنگل‌ها خارج است. رسانه‌های رسمی، نیروهای نظامی و انتظامی، قوه قضاییه و مجلس هر کدام قادرند با همراهی سازمان جنگل‌ها، در فروکش کردن این بحران، نقش ایفا کنند. آگاهی‌افزایی در مورد اهمیت عرصه‌های طبیعی و عواقب حریق، برخورد قضایی با افراد و تدوین قوانین بازدارنده از مهمترین مواردی هستند که از توان سازمان متولی خارج بوده و نیاز به همراهی و مشارکت بخش‌های مختلف دارد.

زاگرس و حریق

شاهرخ جباری ارفعی

در آبان سال ۱۳۹۳ سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام از سازمان جنگل‌ها درخواست کرد نسبت به ایجاد مرکز اطفای حریق در یکی از استان‌های زاگرسی اقدام نماید. متن درخواست به شرح زیر است:

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم و تهدیدات موجود در حوزه جنگل‌های زاگرس وقوع حریق‌های متعدد و متوالی است که همه ساله موجب تخریب بخشی از این جنگل‌ها و تبدیل آن به خاکستر است که نه تنها قابل جبران نیست بلکه بهانه‌ای برای سودجویان و غارتگران منابع ملی را فراهم می‌سازد. امکانات موجود در راستای اطفای حریق به دلیل توپوگرافی و مسیرهای دشوار دسترسی، هرگز کافی نبوده است و در بسیاری مواقع تلاش‌های همکاران زحمتکش کم اثر می‌گردد که لازم است از محل اعتبارات مدیریت بحران و سهم استان‌ها به تناسب سطح جنگل نسبت به ایجاد مرکز اطفای حریق در یکی از استان‌ها و تجهیزات لازم و علی‌الخصوص بالگرد، زمینه کنترل و مهار سریع حریق‌های جنگلی فراهم گردد. در آذرماه سال ۱۳۹۳ فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها به این درخواست چنین پاسخ داده است: این فرماندهی در چارچوب طرح جامع مدیریت پیشگیری و اطفاء حریق و از محل اعتبارات تخصیص یافته طرح تامین و تجهیز یگان حفاظت و اطفاء حریق تاکنون در منطقه زاگرس نسبت به ایجاد و راه‌اندازی پایگاه اطفاء حریق در استان‌های کرمانشاه با مرکزیت کرمانشاه، استان ایلام یا مرکزیت ایلام، استان آذربایجان غربی (سردشت)، استان کردستان (مریوان) و استان خوزستان (اهواز) اقدام نموده است. ضمن آنکه عملیات اجرایی ایجاد پایگاه‌های مذکور در استان فارس با مرکزیت شیراز و لرستان با مرکزیت خرم‌آباد نیز در دست اقدام و دارای پیشرفت فیزیکی به ترتیب ۵۰ و ۲۰ درصد می‌باشد. این پاسخ در ادامه ضمن اشاره به تکمیل، تجهیز و تامین اعتبارات مورد نیاز و افزایش نقش جوامع محلی یادآور شده است: نیازی به ایجاد مراکز اطفای حریق جدای از برنامه اجرایی حال حاضر سازمان متبوع نمی‌باشد.

پرسش اینجاست با توجه به فراهم شدن سخت‌افزاری از قبیل ایجاد مراکز فوق و تکمیل و تجهیز آن ظرف شش سال گذشته، به چه دلیل در سال جاری چنین بحرانی روی داده است؟ - آیا این مراکز به درستی تکمیل و تجهیز نشده است؟ - آیا اعتبارات مورد نیاز به موقع تامین نشده است؟ - آیا مشارکت جوامع محلی از طریق آموزش و تجهیز آنان انجام نشده است؟ - آیا مسائل جدید دیگری به مشکلات قبلی اضافه شده است؟ امید است سازمان‌های متولی به طور همه جانبه این مسئله را مورد بررسی قرار داده و نتایج آن را به جامعه اطلاع رسانی بفرمایند. شایان یادآوری است که مجموعه شرایط اجتماعی و محیطی در این جنگل‌ها به نحوی است که استقرار پوشش جنگلی را به آسانی میسر نکرده و بیم آن است که به جای جنگل پایدار، حسرت پایدار برجای گذاشته شود.

ارتباط با موسسه:

عضویت در موسسه شمیم جنگل ایران:

شورای نویسندگان:



@shamimejangaleiran



@shamimeiran



Info@shamimjangal.com

www.shamimjangal.com/Register

رحیم ملک‌نیا

سیده زینت بهبودی مصمم

ناهید رزاق‌پور

ویراستار: سیده زینت بهبودی مصمم